

شورای متخصصان یا تقویت بازوهای تخصصی؟





شورای متخصمان یا تقویت بازوهای تخصصی؟

نویسنده: پژمان تهوری

شورای متخصصان یا

تقویت بازوهای تخصصی؟

با اتمام بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ و با توجه به درپیش بودن انتخابات شوراهای شهر و روستا، بزودی جرح و تعدیل قانون انتخابات شوراهای، با طرح‌ها و لوایح فوریتی، در دستور کار نمایندگان مجلس قرار خواهد گرفت، تا تغییری در شکل و ماهیت شوراهای ایجاد شود. «تخصصی شدن انتخابات شوراهای» یکی از طرح‌هایی است که احتمالاً با قید فوریت در مجلس مطرح خواهد شد. رسیدگی به این طرح، از مجلس نهم، در کمیسیون شوراهای شروع شده ولی تاکنون مجال بررسی و تصویب پیدا نکرده است. محمد جواد کولیوند رئیس کمیسیون شوراهای در این خصوص می‌گوید: «نصاب بندی کرسی‌ها در شوراهای باید مشخص شود تا در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، هر منتخبی در حوزه تخصصی خود به رقابت بپردازد، از این رو شوراهای نظاممند، ضابطه‌مند، قانونمدار و قدرتمند خواهند شد.»

آیا می‌توان انتخابات را تخصصی برگزار کرد؟

طراحان این طرح با فرض اینکه شورای شهر کارش مدیریت شهری است و برای این مهم باید مجمع متخصصان تشکیل شود، تا آنها بتوانند با نظر کارشناسی شهر را اداره کنند، در پی تخصصی کردن رقابت در انتخابات شوراهای هستند، به این معنا که اگر تشخیص بر این است که برای مدیریت شهر به شهرساز، معمار، حسابرس، مهندس تاسیسات و ... نیاز داریم، شهروندان در انتخاب نمایندگان خود از میان شهرسازان، یک نفر و از میان حسابرسان یک نفر و ... انتخاب کنند. آنها بر این باورند که به این شکل شوراهای به مجمعی از متخصصان تبدیل و کمتر به بحث‌های سیاسی ورود و به صورت تخصصی شهر را اداره خواهند کرد. این فرض برای اجرایی شدن، نیازمند تغییرات کلی در قانون شوراهای و بنا کردن شوراهای با شکل و فرم جدید خواهد بود، چراکه:

۱- محدودیت کرسی‌های شوراها

اولین پرسشی که می‌تواند مطرح و فرضیه فوق را با چالش جدی مواجه کند، تعداد تخصص‌های لازم برای مدیریت شهری است. برای اداره یک شهر، ده‌ها تخصص را می‌توان لیست کرد که بدون بهره‌گیری از هریک از آنها، خلاءهایی در مدیریت شهری، بوجود خواهد آمد، حال آنکه تعداد اعضای شوراها در شهرها به نسبت جمعیت بین ۵ تا ۳۱ نفر است. یعنی اگر ملاک تخصص باشد، تعداد اعضای شوراها در همه شهرها یکسان و براساس تخصص‌های پیش‌بینی شده باید باشد نه جمعیت آنها، چراکه به لحاظ تخصصی تفاوتی میان شهری با ۲۰۰ هزار جمعیت یا یک میلیون جمعیت وجود ندارد، هر دو به متخصصین امور شهری نیازمندند.

شورای شهر تهران به عنوان بزرگترین شهر ایران، برای انجام وظایف محوله شش کمیسیون تخصصی تشکیل داده است:

۱- کمیسیون برنامه و بودجه

۲- کمیسیون سلامت و محیط زیست

۳- کمیسیون عمران و حمل و نقل

۴- کمیسیون فرهنگی و اجتماعی

۵- کمیسیون معماری و شهرسازی

۶- کمیسیون نظارت و حقوقی

هر کدام از این کمیسیون‌ها، برای ایفای وظایف محوله نیازمند چند متخصص در امور مختلف هستند، حال اگر انتخابات شوراها به صورت تخصصی برگزار شود، معنایش این است که پارلمان‌های محلی در تمام شهرهای ایران باید با تعداد حداقل ۳۰ تا ۵۰ نماینده تشکیل شوند. یعنی شورای پنج نفره فعلی باید به شورای ۵۰ نفره تغییر کند.

۲- محدودیت منابع انسانی

محدودیت منابع انسانی می‌تواند دومین چالش این طرح باشد، چراکه در برخی شهرهای کوچک حتی ممکن است متخصصان مورد اعتماد عمومی در همه زمینه‌ها وجود نداشته باشد. وجود مدیران پروازی و استفاده از مدیران غیربومی، می‌تواند سند این ادعا باشد، در غیر این صورت استفاده از مدیران غیربومی را باید جفای حاکمیت نسبت به مردم دانست که به جای استفاده از مدیران بومی و بها دادن به توانایی‌های آنها، با پرداخت هزینه بیشتر، از شهرهای دیگر مدیرانی برای مدیریت امور اعزام می‌کند.

قانون انتخابات شوراهای اجازة نمی‌دهد متخصصان از شهرهای دیگر به شهری که در آن احساس نیاز وجود دارد، رفته و اعلام کاندیداتوری کنند، چرا که کاندیداهای شوراهای باید در شهری که کاندیدا می‌شوند سکونت داشته باشند. نقض این اصل، نقض فلسفه وجودی شوراهاست که می‌گوید اداره شهر را باید به مردم همان شهر سپرد. یعنی اصل این است که مردم شهرداری امور شهرشان را برعهده بگیرند، حال اگر قرار باشد افرادی به دلیل داشتن تخصص به شهری وارد و اداره شهر را برعهده بگیرند، دیگر نمی‌توان شوراهای محلی دانست.

ورود شوراهای به مجادلات سیاسی، ناکارآمدی شوراهای و ضعف مدیریتی در امور شهری، نمایندگان را بر آن داشته تا با تخصصی کردن انتخابات شوراهای، این نهاد عمومی را از سیاست زدگی مصون و با سنگین کردن وزن تخصصی اعضای آن، وضعیت مدیریت شهری را سامان دهند، حال آنکه در شهرهای بزرگ دنیا مثل نیویورک، لندن، رم و ... نیز انتخابات شوراهای تخصصی نیست و تنها برخی سمت‌هایی که ذاتاً تخصصی است، انتخابات‌اش نیز تخصصی برگزار می‌شود مثل انتخاب رئیس قوه قضاییه یا رئیس حسابرسی شوراهای که صلاحیت علمی شرط کاندیداتوری است، بقیه کرسی‌های شوراهای قید تخصصی ندارند.

از این رو برای رفع دغدغه‌های موجود، بجای تخصصی کردن انتخابات شوراهای باید:

۱- ایجاد کانال ارتباطی میان شوراهای و نهادهای مدنی

تقویت احزاب و نهادهای مدنی از جمله نهادهای تخصصی مثل انجمن پزشکان، انجمن مهندسان و یافتن راه‌حلی برای گسترش رابطه شوراهای با نهادهای مدنی به عنوان بازوای تخصصی شوراهای، می‌تواند راه‌کاری مناسب برای تقویت بعد تخصصی تصمیمات در شوراهای باشد.

تجربه چهار دوره انتخابات شوراهای نشان داده که در کلانشهرها همچون انتخابات مجلس، مردم به لیست احزاب و تشکل‌های سیاسی رای می‌دهند. از این رو تقویت و نهادینه شدن احزاب و پاسخگو کردن آنها می‌تواند به ارائه لیست‌هایی با رعایت تنوع کاندیداهای متخصص و مفید برای شوراهای منجر شود. در واقع خلاء نیروهای کیفی باید توسط احزاب و نهادهای مدنی پر شود.

ضعف دیگر نظام پارلمانی در ایران، محدود شدن فعالیت احزاب به ارائه لیست کاندیداهای و راه اندازی کمپین‌های انتخاباتی باز می‌گردد. حال آنکه با شروع فعالیت پارلمان ملی و محلی، رابطه احزاب با فراکسیون‌های همسو باید توسعه یابد، تا احزاب بتوانند با ارائه حمایت‌های فکری و لجستیکی، نقش اثرگذاری در تصمیمات نمایندگان ایفا کنند. اما فقدان احزاب قوی با تشکیلاتی سازمان یافته، سبب شده تا آنها بیشتر کارکرد محفلی و مقطعی داشته باشند، از این رو احزاب موجود، نه تنها کمکی موثر به پیشبرد برنامه‌ها و اهداف اعلام شده در زمان انتخابات نمی‌کنند، بلکه با موضع‌گیری‌های سیاسی و جهت‌دهی خطی به نمایندگان، گاهی تصمیمات آنها را بسوی اهداف سیاسی و جناحی سوق می‌دهند.

۲- مقدم شمردن تحقیقات مراکز پژوهشی

بها دادن به مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و استفاده از دستاوردهای علمی و تخصصی این نهادها در پروسه تصمیم گیری و ملزم کردن شوراهای به اختصاص بودجه به اینگونه نهادها و استفاده از نتایج تحقیقات آنها، می تواند راهکار دیگری باشد برای جبران خلاء تخصص و افزایش کارآمدی شوراهای. ایجاد رابطه مستمر و سازمان یافته میان شوراهای و مراکز پژوهشی همچون مراکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، مراکز پژوهش های مجمع تشخیص مصلحت نظام و مراکز پژوهشی وابسته به وزارت علوم و دانشگاهها، راهی است برای تقویت رویکرد تخصصی در تصمیم گیری ها. در غیر این صورت حتی اگر از هر رشته تخصصی یک متخصص به شوراهای راه یابد تاثیری در نتیجه نخواهد داشت چراکه در نهایت در خصوص هر طرح مطروحه یک نفر از مجموع اعضاء متخصص و مابقی رای دهندگان در آن حوزه تخصصی ندارند.

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیر ایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنشگران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی همچنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.



www.darsahn.org



[Minahassastraat 1
1092 RS, Amsterdam
The Netherlands]

[www.arsehsevom.net
contact@arsehsevom.net
press@arsehsevom.net]